

اقتصاد مقاومتی

(مفهوم، ضرورت، ظرفیت‌ها، راه‌کارها و الزامات آن)

سخنرانی آیت‌الله غلامرضا مصباحی مقدم
رئیس گروه اقتصاد- شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

چکیده اقتصاد مقاومتی الگویی اقتصادی برای استمرار مقاومت ملت ایران در برابر تهدیدهای خارجی و مشکلات داخلی است، البته اقتصاد ایران نیازمند مقاوم‌سازی در ابعاد مختلف است، اما مفهوم مقاوم‌سازی برای تبیین اقتصاد مقاومتی نارسا است. اقتصاد مقاومتی تفاوت روشنی با اقتصاد ریاضتی دارد و شرایط اقتصاد ریاضتی در ایران وجود ندارد. انقلاب اسلامی، ایران را از چنگال استکبار جهانی رهایی بخشید و به استقلال سیاسی کامل و به توانمندی نظامی بازدارنده در مقابل تهدیدات خارجی رساند. از نظر علمی نیز پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است اما با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبرو است که اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است. با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند این اهرم‌های فشار را کنار بزند و مسیر مقاومت ملت ایران برای دستیابی به پیشرفت و عدالت را هموار سازد. ظرفیت نخبگی جوانان ایران، روحیه ایمان و مقاومت ملت عزیز، موقعیت جغرافیایی کشور، منابع خدادادی آب و خاک و ذخائر عظیم انرژی و سایر معادن، ظرفیت گردشگری زیارتی و کشاورزی و باغات با ایجاد تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و مدیریت منابع آب و خاک و آموزش عمومی حرفه‌وفن در رشته کشاورزی و زیربخش‌های آن، برای دست‌یافتن به اقتصاد مقاومتی ظرفیت عظیمی است. باید فرهنگ مقاومت، فرهنگ کار، تلاش و ابتکار و

۴ مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی،

خلاقیت، فرهنگ کار جمعی و مشترک، فرهنگ صرفه‌جویی در هزینه‌های بخش عمومی و بخش خصوصی، فرهنگ مصرف کالای ایرانی و فرهنگ کارآفرینی و مدیریت جهادی از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الصلاة والسلام على اشرف الانبياء و افضل المرسلين، سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابوالقاسم المصطفى محمد(ص) و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما بقيه الله في الارضين، روى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء.

ابتدا عيد سعيد فطر را گرچه چند روزی از آن گذشته ولی هنوز حال و هوای عيد فطر وجود دارد؛ تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. از اینکه قدم رنجه فرمودید در این نشست علمی و همایش علمی شرکت فرمودید سپاسگزارم. امیدوارم که این نشست دستاوردهایی داشته باشد که بتواند به دولت عرضه شود و به وزارت علوم، از آن بهره برداری شود.

تشکر می‌کنم از همه کسانی که برای برگزاری این نشست زحمت کشیده‌اند: چه نویسندگان مقالات و صاحبان مقالات و دبیر محترم علمی همایش جناب آقای دکتر میرجلیلی و چه اعوان و انصار و کسانی که به‌نحوی کمک کردند و دبیر محترم اجرایی همایش و دوستان ما و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

من سخنم را با کلام الهی شروع می‌کنم. خداوند تبارک و تعالی در سوره انفال می‌فرماید:

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ. این آیه در عداد آیات جهاد است. اگر از شما، البته خطاب آیات مربوط به پیامبر اکرم(ص) است که به مؤمنین بگوید. مخاطب پس: مؤمنان هستند. وصف ایمان خود وصفی است که موجب تقویت انسان برای هرگونه اقدام و عملی است. ایمان است که انگیزه قوی را برای انسان‌ها به‌وجود می‌آورد و ایمان است که در عرصه‌های مجاهدت موجب پایداری و پایداری مؤمنان در مقابل خصمشان می‌شود. ان یکن منکم، عشرون - صابرون. می‌بینیم خداوند تبارک و تعالی در این آیه به یک اقدام جمعی و یک حرکت جمعی اشاره می‌کند. عشرون صابرون؛ حداقل بیست نفر باهم. با هم کار کنند، باهم اقدام کنند. البته آیه ادامه دارد در ادامه هم می‌فرماید اگر از

اقتصاد مقاومتی ۵

شما صد نفر باهم باشند. وصف سومی که در این آیات به آن اشاره شده وصف صابر است. صابر همان مقاوم است. یعنی مقاومت کنید. مؤمنان مقاوم. با یک اقدام و حرکت جمعی. حرکت و اقدام کنند و دست به جهاد و دفاع بزنند بر دویست نفر غلبه می‌کنند. یعنی ظرفیت این حرکت جمعی بیست نفره وابسته به ایمان و وابسته به صبر، تبدیل می‌شود به ظرفیتی بیش از ده برابر. این نشان‌دهنده ظرفیت انسان‌ها است. گرچه آیات در عداد آیات جهاد است اما هرگز منحصر به جهاد نیست. علاوه بر اینکه میدان‌های جهاد نیز متعدد است. یک میدان جهاد: جهاد نظامی است، یک میدان جهاد: جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی، جهاد فرهنگی. پس انسان‌ها در شرایط عادی از حداقل ظرفیت‌های خودشان برای حرکت استفاده می‌کنند ولی در یک شرایط جهادی: در شرایط ایمان و صبر و مقاومت می‌توانند از ظرفیت ده برابری استفاده کنند و البته آیه از این حکایت می‌کند بلکه این ظرفیت بیش از ده برابر است. چرا چون می‌گوید: یغلبوا مائتین. بیست نفر است متشکل، صابر و مؤمن غلبه می‌کند بر دویست نفر. غلبه یعنی موازنه ده ضرب در ده نیست و بیست ضرب در ده نیست. بلکه بیست ضرب در بیش از ده است. می‌تواند نتیجه را به غلبه پدید آورد. پس این آیه شریفه ظرفیت انسان‌ها را نگاه می‌کند که ظرفیت بالایی است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی؛ می‌باید تبیین شود: چرا که اگر درست مفهوم تبیین نشود و روی آن توافق صورت نگیرد ممکن است ما را به خطا کشاند. چرا؟ چون هرکسی از ظن خود یار می‌شود و راهکارهایی را ممکن است دنبال کند، پیشنهاد کند که با این مفهوم سازگاری کافی و انطباق کافی نداشته باشد. یکی از مفاهیمی که امروز در عرصه اقتصاد جهان هم مطرح است؛ مفهوم اقتصاد ریاضتی است. بعضی‌ها به غلط اقتصاد مقاومتی را به اقتصاد ریاضتی تعبیر کردند که شرایطی که در آن شرایط، کشورها دچار اقتصاد ریاضتی شده‌اند می‌باید در ایران هم وجود داشته باشد. در حالی که هرگز چنین نیست. من چون مطالعه کرده‌ام نسبت به چهار کشور دچار اقتصاد ریاضتی در اروپا؛ خصوصاً روی ایتالیا و در این باره در حاشیه سفری که داشتم بررسی بیشتری کردم و دیدم اقتصاد ریاضتی آن اقتصادهایی است که درآمد ملی این کشورها مغلوب بدهی‌های ملی این کشورها است. یعنی به عبارت دیگر بدهی‌ها به شدت غلبه کرده است. به نحوی که چشم‌انداز کوتاه‌مدت و میان‌مدت حکایت از خروج از این تنگنا نمی‌کند. یعنی امکان ندارد

در میان مدت و کوتاه‌مدت از این تنگنا خارج شوند. در مورد ایتالیا که عرض کردم من دیداری داشتم با رئیس دیوان محاسبات این کشور. در آنجا از ایشان سوال کردم که درآمد ملی سالانه شما چقدر است؟ ایشان اظهار کرد نهصد و شصت میلیارد دلار. گفتم بدهی شما چقدر است؟ گفت چند برابر. همه راهکارها را برای خروج از این تنگنا دنبال کردند و نتیجه نگرفتند. کمک‌های اتحادیه اروپا، چون همه این کشورهای صنعتی پیشرفته جهان مثل ایتالیا هستند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، قدرت‌های بزرگ هم از نظر فکری، هم از نظر مالی به ایتالیا کمک کردند. ولی ایتالیا نتوانسته است از این تنگنا خارج شود، بلکه بدهی‌های خارجی او چنان غلبه کرده، که به‌نوعی دچار یک تنگنای سخت و طولانی‌مدت شده است. راه ریاضت را دنبال کردند. معنای ریاضت هم این است که کوچک‌سازی دولت شود. البته معمولاً کشورهای مثل ایتالیا سعی کرده‌اند که بخش عمومی کوچک داشته باشند. بازهم کوچک‌تر کردند و کاهش هزینه‌های عمومی. این کاهش هزینه‌های عمومی به معنای کوچک‌سازی حتی پارلمان و سنا؛ و در مناسبات بین‌المللی‌شان حتی تعطیلی بعضی سفارتخانه‌ها. تا اینکه هزینه‌های خودشان را از این طریق کاهش بدهند. از جمله کاهش حقوق و دستمزد مدیران که دستمزد مدیران در آنجا چندین برابر دستمزد کارکنان عادی است. توی کشور ما هم چنین اتفاقی افتاده است. اما آنجا کاهش، قانونی و شفاف بوده است. برای کاهش هزینه‌های عمومی دستمزد مدیران را کاهش می‌دهند. علاوه بر این خدمات عمومی، مثل هزینه‌های تامین اجتماعی، بهداشت و درمان؛ اینها را به شدت کاهش می‌دهند و همین‌ها موجب حرکت‌های اعتراضی در کشور شده است: اعتصاب‌ها، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و هر روزی می‌شنویم کشور اروپایی مثل یونان، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا از این مسائل رخ می‌دهد. ما شرایطمان با شرایط اقتصاد ریاضتی بسیار متفاوت است. ما منابع خارجی‌مان بسیار هم بالا است. بنده بررسی بیشتری کردم حدود صد و سی میلیارد دلار ذخیره خارجی داریم و بدهی خارجی معوق هم نداریم. پس اینطور نیست که درآمد ملی ما، مغلوب بدهی‌های داخلی و بین‌المللی ما شده باشد. حالا بدهی‌های داخلی جدی داریم؛ ولی غلبه نکرده است. اگر مسئله نسبت بین درآمد ملی و بدهی‌ها را در نظر بگیریم: آمریکا به‌تنهایی هفده تریلیون دلار بدهی دارد. ولی خوب این رابطه‌اش نسبت به درآمد ملی رابطه تقریباً صد و ده درصد است. صد و پانزده درصد. نه رابطه چندین و چندبرابر. بدهی ژاپن دو و هفت دهم برابر

اقتصاد مقاومتی ۷

درآمد ملی‌اش است. ولی بازهم ظرفیت‌های اقتصادی ژاپن به گونه‌ایی نیست آن را در معرض اقتصاد ریاضتی قرار داده باشد.

در ایران ما نه تنها بدهی خارجی نداریم که تعویق افتاده باشد بلکه مطالبات بسیار زیادی هم داریم که در اثر تحریم‌ها بلوکه شده است و به ما نمی‌دهند. درصدد کاهش هزینه‌های عمومی؛ اگرهم باشیم از باب ناچاری نیست بلکه از باب اقدام خردمندانه می‌باید هزینه‌های عمومی را کاهش داد و دولت را کوچک کرد. در شرایطی که دولت بسیار بزرگ است و ناکارآمدی دولت را پدید آورده است و ما نه تنها از هزینه‌های خدمات عمومی کشور چیزی کم نمی‌کنیم بلکه داریم اضافه می‌کنیم. در بخش بهداشت و درمان طی دو سال اخیر هزینه‌های بیشتری را بخش عمومی ما متقبل شده است و رضایت مردم ما را پدید آورده است. پس می‌بینیم شرایط ما شرایط اقتصاد ریاضتی نیست.

اما مفهوم اقتصاد مقاومتی؛ یک مفهوم مشابهی دارد که آن مفهوم مشابه مقاومت‌سازی اقتصادی است. طبعاً هم ممکن است این مشابهت موجب یک اشتباه هم شود. من نمی‌گویم که در اقتصاد مقاومتی، مقاومت‌سازی نیست. حتماً ما برای کاهش تنش‌ها، کاهش کاستی‌ها در اقتصاد ملی ما، می‌باید کاری کنیم که اقتصاد ما مقاوم شود و مقاومت‌سازی اقتصاد تحقق یابد و زیر ساخت‌هایمان به گونه‌ای باشد که بتواند در مقابل تنش‌های داخلی و بین‌المللی مقاومت کند. ولی این همه حقیقت معنای اقتصاد مقاومتی را نشان نمی‌دهد. چرا که اقتصاد مقاومتی به تعبیری که بنده به صورت کوتاه در خلاصه مقاله عرض کردم؛ الگویی اقتصادی برای استمرار مقاومت است. الگوی اقتصادی برای استمرار مقاومت ملت ایران برابر تهدیدهای خارجی و مشکلات داخلی. این اولاً، حکایت از طراحی یک الگو می‌کند. ما قبل از تصویب سند چشم‌انداز و ابلاغ آن؛ به یک معنا اسناد بالادستی نداشته‌ایم. قانون اساسی ما سند بالادستی بسیار مهم بوده است اما بعد از قانون اساسی چیزی به عنوان سند بالادستی نداشته‌ایم. سند چشم‌انداز بیست‌ساله که ابلاغ شد یک سند بالادستی پیدا کردیم. یک سند بالادستی دیگر سیاست‌های اصل چهل و چهار است که آن هم یک سند بالادستی برای چارچوب دادن به اقتصاد کشور است. ولی آنچه که همه این اسناد بالادستی را در خودش جمع دارد و فراتر از آن هست این الگوی اقتصاد مقاومتی است. به عبارت دیگر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است. همه آنچه را که در قبل از این سیاست‌ها تدوین شده بود به عنوان اسناد بالادستی مد نظر قرار گرفته بود؛

در این جا جمع است. علاوه بر این بسیاری از نکاتی که مجموعه اقدامات مورد نیاز برای یک اقتصاد ملی را نیاز داریم، در خودش جمع دارد. پس اولاً الگو است و این الگو یک الگوی اسلامی و ایرانی است. یک الگوی بومی است. متکی بر ارزش‌های اسلامی و مبانی اقتصاد اسلامی و ایرانی است چرا که برای ایران نوشته شده است و توسط نخبگان ایران که طرف مشورت رهبر معظم انقلاب برای تدوین اقتصاد مقاومتی قرار گرفته‌اند صورت گرفته و تهیه شده است. این الگو برای چیست؟ برای مقاومت، یعنی چه برای مقاومت؟ ملت ایران با انقلاب اسلامی مقابل استکبار جهانی ایستاد. در واقع ایران را از دهان نظام سلطه جهانی خارج کردند. این اقدام موجب شد با تمام قدرت مستکبران در مقابل ایران بایستند و برای نابودی آن تمام امکانات و قدرت خودشان را به کار بگیرند. جنگ را تحمیل کردند. حصر اقتصادی را تحمیل کردند و فشارهای بسیار زیاد بین‌المللی علیه ایران ایجاد کردند. شرق و غرب باهم متحد شدند علیه ایران؛ و ارتجاع منطقه هم به کمک آنها آمدند که این نظام نوپا و این انقلاب مردمی نوپا از بین برود و سرنگون شود. خوب، نتوانستند. ملت ایران مقاومت کرد. این مقاومت سیاسی ملت ایران موجب شد انقلاب اسلامی تثبیت شد و یک کشور مستقل تمام‌عیار به وجود آمد. از نظر توان و قدرت نظامی هم، از یک نقطه ضعف در مقابل تهاجم دشمن ما آغاز کردیم و به یک نقطه قوت رسیدیم. آن‌هم چه نقطه قوتی که نه تنها دشمن را ناکام گذاشتیم بلکه زمینه را برای توطئه‌های بعدی دشمن از نظر نظامی از بین بردیم. امروز واقعا آیه شریفه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» در عرصه نظامی تحقق پیدا کرده است. استراتژی بازدارندگی و قدرت نظامی ما، قدرت نظامی بازدارنده است. پس از نظر سیاسی ما مقاوم شده‌ایم، از نظر نظامی به نقطه کامل مقاومت رسیده‌ایم. اما از نظر اقتصادی خیر و دچار ضعف‌های جدی کشور ما هست که این ضعف‌های جدی اهرمی شده است در اختیار دشمنان این نظام؛ و از همان اهرم‌ها استفاده کردند. اتکا به درآمد نفت در بودجه عمومی کشور یکی از این نقاط ضعف جدی است و اتکای به درآمدهای ارزی و دلاری ناشی از فروش نفت یکی از این نقاط ضعف جدی است. و نقاط ضعف جدی دیگر که ما داریم. خوب این نقاط ضعف‌ها، اهرم فشاری شده در اختیار استکبار جهانی که بخواهند ما را به زانو درآورند. و تحریم‌ها در واقع ابزار آنها است برای به زانو درآوردن ما این سخن که بگوییم؛ آنها دنبال این بودند تحریم‌ها را برپا

اقتصاد مقاومتی ۹

کنند تا ما را از دست‌یافتن به سلاح اتمی محروم کنند؛ سخن بسیار بسیار بی‌اساس و بی‌منطقی است. چون ۱۶ گروه مطالعاتی غیردولتی در ایالات متحده آمریکا، هرساله گزارش‌هایشان که به کنگره دادند و به رئیس‌جمهور داده‌اند: حکایت از این می‌کند که هیچ‌گونه انحرافی در فعالیت‌های اتمی ایران به سمت سلاح اتمی مشاهده نشده است. این اطلاعات را امریکایی‌ها داشتند. کنگره داشت. دولت امریکا داشت و اروپا داشت. پس می‌دانستند ما درصدد دست‌یافتن به سلاح اتمی نیستیم ولی بهانه کردند تا اینکه نگذارند کشور ما عقب ماندگی‌های خودش را جبران کند و از نظر اقتصادی به یک کشور پیشرفته تبدیل شود. خوب این نقطه ضعف‌ها است که اقتضا می‌کند ما برای استمرار مقاومت و ادامه دادن راه مقاومت ملت ایران که البته الگو شده، کشورهای منطقه هم این الگو را سرمشق قرار داده‌اند و مورد استفاده قرار می‌دهند، این مقاومت باید ادامه پیدا کند و یقین بدانیم خبری از اینکه استکبار جهانی با ما به رفاقت پردازد نیست، و از زاویه مهر و محبت با ما رفتار کند، نیست. آنها چیزی جز زبان قدرت نمی‌شناسند. بله اگر یک اقتصاد قدرتمند داشته باشیم و ایجاد کنیم همه دنیا به ما رو می‌آورند و استقبال می‌کنند. خوب پس مفهوم اقتصاد مقاومتی در آن یک جهت‌گیری خارجی علاوه بر اصلاح ضعف‌های داخلی دارد. این آن نکته‌ای است که متفاوت با مقاوم‌سازی اقتصاد است. مقاوم‌سازی اقتصاد بسیار بسیار درست و بجا اما نارسا و ناکافی است، برای نشان‌دادن مفهوم اقتصاد مقاومتی خوب وقتی این مسئله روشن شد ضرورت این کار تبیین می‌شود و روشن می‌شود. چرا که اگر ما اقتصاد مقاومتی را در دستور کارمان نداشته باشیم و سعی نکنیم مسیری را انتخاب کنیم که آن مسیر اولاً شامل مقاوم‌سازی اقتصادی کشور و بالا بردن تاب‌آوری اقتصاد و ثانیاً جهت‌گیری آن جهت‌گیری ایستادگی در مقابل فزون‌طلبی‌های استکبار جهانی است؛ مسلماً دائماً با چالش روبرو هستیم. باید اجازه ندهیم این چالش‌ها، چالش‌هایی باشد که همواره استمرار پیدا کند. اقتصادی را بنیان بگذاریم که مشابه دفاع مقدس ما بتواند دشمنان ما را مأیوس کند؛ از اینکه بتوانند فشاری روی این کشور و ملت بیاورند. پس این مسئله اقتضا می‌کند که ضرورت اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی را دنبال کنیم.

اما ظرفیت‌های ما برای برقراری اقتصاد مقاومتی؛ از اینجا به بعد سخن از اقدام و عمل است: یکی ظرفیت نخبگی جوانان ایران. این مسئله چیزی نیست که ما ادعا کنیم. دیگران به آن رسیده‌اند و نتایج و مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که قدرت نخبگی و

ظرفیت نخبگی در ایران بالاتر از متوسط جهانی است. وجود نخبگان ایرانی در کشورهای مختلف یک نشانه است. من یک سفری به واشنگتن داشتم البته چند سفر. یک سفرش این گزارش را آنجا شنیدم. مطالعات خود امریکا روی اقوام مهاجر کرده است. برترین قوم مهاجر در امریکا از نظر نخبگی ایرانی‌ها هستند. و از نظر ثروت. این دو تا شاخص. خوب یک مسئله ابراز تاسف است که چرا چنین موج عظیم مهاجرت نخبگان را ما به امریکا داشته باشیم و یک مسئله دیگر حکایت از یک واقعیتی است و آن اینکه نخبگی ایران بالا است که در میان مجموعه مهاجران، چنین جمع عظیم نخبگانی فقط از ایران در امریکا وجود دارد. کانادا و اروپا هم همین‌طور است. آیا این ظرفیت نخبگی با این مهاجرت‌ها پایان پیدا کرده است؟ خیر. این ظرفیت نخبگی همچنان در ایران لایزال و موجود است. شاهد آن را ما در پیشرفت‌های علمی می‌بینیم. پیشرفت‌هایی که در هایتک‌ها داریم. همین انرژی هسته‌ای. نانوتکنولوژی. بایو تکنولوژی. هوا فضا. عرض کنم خدمت شما سلول‌هایی بنیادی؛ این داروهای بسیار کمیاب و این‌هایی که پزشکی ما کار کرده است. اصلا خود پزشکی. در عرصه پزشکی؛ ایران در کل کشورهای منطقه منا که ۲۸ کشور است جایگاه اول و رتبه اول را دارد. همه این‌ها حکایت از این می‌کند که ظرفیت نخبگی در جوانان ما وجود دارد. عرصه دفاع مقدس ما این را به‌خوبی نشان داد. شما در دفاع مقدس می‌بینید جوانی ۲۴ ساله مثل شهید حسن باقری افشردی طراح عملیات می‌شود به‌گونه‌ای که بنده از یک سرهنگ ستاد مستقیما شنیدم آن وقت گفت من ۲۴ سال تحصیلات نظامی دارم در مقابل طرح‌های این جوان در شگفتم. خوب آیا منحصر هست نخبگی در چنین شخصیتی؟ خیر. الان هم این توان نظامی بسیار بالایی که در ایران به‌وجود آمده است حاصل همین نخبگی است آنچه که در هوا فضا به‌وجود آمده است: فرستادن ماهواره به فضا حاصل فناوری‌های بسیار پیشرفته و پیچیده است و حاصل نخبگی است و این نخبگی در عرصه‌های مختلف وجود دارد. آنچه که مهم است بهره گرفتن کافی و کامل از این نخبگی است و متأسفانه اکنون از این نخبگی درست استفاده نمی‌کنیم بلکه به یک معنا می‌توان گفت دانشجویان تحصیل کرده ما مدرک به‌دست بیکار می‌گردند؛ کلی با مشکلات روبرو هستند. پس استفاده از ظرفیت نخبگی کشور این یک نکته بود.

نکته دیگر روحیه ایمان و مقاومت ملت ایران: این روحیه خود منشاء قوت بسیار بالا

برای نظام جمهوری اسلامی است. همین ایمان است که ملت ما را در دفاع مقدس بسیج کرد. همین ایمان است که ۳۷ سال، دیگر حالا کم کم گفت باید ۳۸ سال؛ ملت ایران را در مقابل همه نقشه‌های استکباری سرپا نگه داشت. همین ایمان است که با وجود همه مشکلاتی که داریم ملت ما را حامی این نظام و دولت قرار داده است. پس این ایمان از نظر ظرفیتی که کمک می‌کند به حل مشکلات کشور، نباید مورد غفلت قرار گیرد کما اینکه در آیه شریفه که تلاوت کردم و توضیح دادم؛ روی عنصر ایمان تکیه بلیغی بود. رهبر معظم انقلاب ما هم، مرتب روی این عنصر و تقویت این عنصر سخنرانی و توصیه می‌کنند. ما نباید اجازه دهیم این ایمان را در نسل جوان و نوپا تضعیف کنند و البته این ایمان را هدف قرار دادند. چرا می‌بینید در اظهارات دشمنان این نظام سخن از این است که هفتاد در صد مردم ایران جوانان و نوجوانان هستند و اینها نقطه امیدی برای ما هستند که آینده ایران غیر از وضعیت فعلی خواهد بود. آنها تصور می‌کنند که این جوانان و نوجوانان تحت تاثیر اندیشه‌های غربی قرار می‌گیرند و ایمان خودشان را به ارزش‌های اسلامی از دست خواهند داد و تعلقات خاطر جدی به الگوهای غرب و اندیشه‌های غرب پیدا می‌کنند. نوعی وابستگی ذهنی و فکری و روحی به بیگانگان. البته ما غافل نیستیم که ضعف‌های جدی در این مسیر داریم و ما باید روی نیروی انسانی کودک و نوجوان و جوان به صورت جدی کار کنیم، که این ایمان را که ظرفیت مهمی برای ما است حفظ کنیم.

موقعیت جغرافیایی کشور: پانزده کشور همسایه ما که یک فرصت بزرگ برای انتقال تولیداتمان داریم. امکان ارتباطات متقابل اقتصادی را داریم. تحریم یک چنین کشوری به‌غایت دشوار است. چون امکان اینکه هریک از این پانزده کشور روابط خوبی را با ما داشته باشند، کما اینکه داشته‌اند. گاهی هم که به‌ندرت مشکل داشته‌ایم، کوتاه مدت بوده است و احیانا برطرف شده است. مثل مشکلاتی که بین ما و عراق و افغانستان و آذربایجان اتفاق افتاده است. بین ما و کشورهای عربی و جنوب خلیج فارس هست. غافل نیستیم. اما اینها دائمی نخواهد بود. پس این ظرفیت، ظرفیتی است که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و ترانزیت کالا بین شمال و جنوب دو دریای شمال و جنوب و کشورهای آسیای میانه و افغانستان که در شمال و شرق ایران قرار دارند. برای اینها بهترین راه برای ارتباط با آبهای آزاد؛ ایران است و طراحی کریدور حمل و نقل شرق

کشور که حدود دوازده سال قبل انجام گرفت، برای حل این مسئله است. البته می‌تواند کمک بسیار زیادی برای کشورهای شمالی ما باشد جهت دسترسی به آب‌های آزاد، صادرات کالا، واردات کالاهایشان و از طرفی هم برای ما معتنم است. ما از این ظرفیت می‌توانیم بهره‌برداری بسیار زیادی کنیم که به نفع اقتصاد ملی و اقتصاد مقاومتی است.

منابع خدادادی آب و خاک: یک کشور بزرگ با آب و هوای متنوع، مزیتی است که کمتر کشوری دارا است. از طرفی در اردبیل مردم سرمای بسیار سخت را تجربه می‌کنند، هم‌زمان در بندرعباس و بوشهر آبتنی می‌کنند. این یعنی شرایط متنوع آب‌وهوایی که تنوع تولیدات کشاورزی را به‌وجود آورده است و امکان جابه‌جایی و استفاده از ظرفیت‌های خالی، در هریک از فرصت‌های زمانی. خوب این ظرفیت بسیار بالایی است که قابل استفاده است. منابع آب و خاک که عرض کردم. کشور ما نیمه‌خشک تعریف شده است. ما این را به‌خوبی می‌دانیم؛ اما مهم استفاده بهینه از همین ظرفیت آب و خاک است. یک مطالعه و البته منحصر به یک مطالعه نیست؛ آقای مهندس امان‌پور انجام داده است. قبلا هم من در بعضی سخنرانی‌هایم اشاره کردم حدود ۹ تا ۱۰ سال قبل به من ارائه کردند. ایشان کاندیدا بود برای وزارت جهاد کشاورزی. این مطالعه را به من داد حدود سیصد صفحه کار. گفت من از ده‌هزار اثر استفاده کرده‌ام. نشان می‌داد این مطالعه که ایران می‌تواند برای سیصد میلیون نفر تأمین غذا کند. من بعداً این را چک کردم با یکی دیگر از استادان رشته کشاورزی آقای دکتر خرقانی که معاونت وزارت جهاد کشاورزی است. گفت دقیقاً درست است. این امکان برای ما وجود دارد که با استفاده از ظرفیت موجود آب و خاک نه با استفاده از فناوری‌های پیشرفته؛ ما سیصد میلیون نفر را تأمین غذا کنیم. خوب این ظرفیت، ظرفیت کمی نیست. ما الان هشتاد میلیون نفر را تأمین غذا نمی‌کنیم. بخش مهمی از نیازهایمان را داریم وارد می‌کنیم. این به دلیل ضعف مدیریت‌های ما است که نتوانستیم از ظرفیت‌های موجودمان درست استفاده کنیم. یکی از این مسائل که اگر بنا بود من بخش بخش کنم اقتصاد مقاومتی را بگویم اقتصاد مقاومتی در بخش کشاورزی. می‌توانستم یک ساعت سخنرانی در این زمینه داشته باشم. یکی از نکات را اشاره کنم آن اشاره به این نکته است که در بخش کشاورزی بررسی شده است: بعضی از تولیدکنندگان ما نمونه هستند. این تولیدکنندگان نمونه چند برابر ظرفیت متعارف و معمولی برداشت از

اقتصاد مقاومتی ۱۳

به اصطلاح محصولات کشاورزی در هکتار؛ دارند استفاده می‌کنند. اگر این الگوها را توسعه و گسترش دهند و آموزش و ترویج دهند و به جاهای دیگر ببرند؛ علاوه بر این تشکیل تعاونی‌های کشاورزی که زمین را یک‌پارچه کنند، آبیاری را یک‌پارچه کنند، کاشت و داشت و برداشت و سم‌پاشی را یک‌پارچه کنند و نکته بسیار کلیدی کاهش هزینه‌ها در این عرصه است. اگر ما به سمت کاهش هزینه‌ها در بخش کشاورزی نرویم، کشاورزی ما با صرفه نیست. الان یک کیلو گندم به‌عنوان خرید تضمینی در ایران در سال جاری ۱۳۵۰ تومان تعریف شده است. خوب یک کیلو گندم وارداتی ۸۵۰ تومان است. تفاوت ناشی از بالا بودن هزینه‌ها است. بالا بودن هزینه‌ها ناشی از این است که ما ساختار تولیدمان در بخش کشاورزی سنتی است و بیشتر اتکا می‌کند به نیروی انسانی و زمین‌های قطعه قطعه کوچکی که بهره‌وری در آن بسیار پایین است. پس بالا بردن بهره‌وری در آب کشاورزی و تولید محصولات کشاورزی ضروری است. ایران در تولیدات محصولات باغی یکی از ده کشور با ظرفیت بالای جهان است که می‌تواند صادرات بسیار عظیمی را در این عرصه داشته باشد. من عذرخواهی می‌کنم که خیلی سریع پیش می‌روم به دلیل اینکه فرصت کوتاه است؛ و حرف بسیار زیاد.

مسئله استفاده از ذخائر عظیم انرژی: این دیگر یک مسئله مسلم و روشن است که ایران از نظر انرژی‌های فسیلی از ذخائر بسیار بالایی نسبت به همه کشورهای جهان برخوردار است. نفت تنها، ایران چهارم است. گاز تنها، ایران دوم است. نفت به‌علاوه گاز از ذخایر انرژی‌های فسیلی در جهان، ایران اول است. ذخایر انرژی‌های فسیلی چگونه بهره‌برداری می‌شوند. اولاً ظرفیت‌های بهره‌برداری ما بسیار پایین است. ثانياً خام‌فروشی است. ثالثاً مصرف بی‌رویه است. مصرف ما از انرژی‌های فسیلی بسیار بالاست. تا قبل از اجرای قانون هدف‌مندی یارانه‌ها سالانه نرخ رشد مصرف ما ۸٪ بود. بعد از اجرای قانون هدف‌مندی یارانه‌ها این نرخ رشد کاهش یافت. ولی باز هم با یکی دو اصلاح قیمت همچنان رشد بالایی را دنبال می‌کنیم. الان مقدار مصرف بنزین ۷۱.۰۰۰.۰۰۰ لیتر روزانه است با اینکه بخش عظیمی از حمل‌ونقل ما توسط CNG جایگزین شده است. قبلاً این تا ۸۵.۰۰۰.۰۰۰ لیتر رسیده بود و در یک پیک مصرف ۱۰۵.۰۰۰.۰۰۰ لیتر امسال در عید داشتیم. سیزده فروردین ۱۰۵.۰۰۰.۰۰۰ لیتر مصرف داشتیم.

خبرها این است: این چندروز تعطیل عید فطر مجدداً تا ۹۰.۰۰۰.۰۰۰ لیتر مقدار مصرف

بنزین ما بالا رفت. معلول چیست؟ معلول عدم استفاده بهینه از مصرف بنزین. گازوئیل را هم همین مسئله را داریم و البته صرفاً کم بودن تولید نسبت به مصرف نیست که آن هم جای خودش هست. آنچه که مهم هست: این است که ما باید یک اصلاحی در موتور ایجاد کنیم که مقدار مصرف را کاهش بدهیم. برویم به سمت تولید خودرو هیبریدی و به این وسیله جایگزین کنیم. نه اینکه همچنان اتکا کنیم به مصرف انرژی‌های فسیلی. اگر اینجا صرفه‌جویی کنیم در کلام حضرت آقا هم آمد و مکرر آمد؛ در گزارش وزارت نفت آمده است که می‌توانیم از مدیریت مصرف انرژی و بهینه‌سازی مصرف انرژی سالانه صد میلیارد دلار صرفه‌جویی داشته باشیم. این ظرفیت بسیار بالایی است. شما ببینید این گاز مصرفی روزانه ما در بخش خانوار در زمستان تقریباً می‌شود گفت نزدیک به صد درصد تولید داخلی است و این معادل مصرف کل چین و معادل مصرف کل اروپای بالای ۴۰۰ میلیون جمعیت و بیست و هشت کشور است.

خوب این‌گونه مصرف درست است؟ پس ما باید بهینه‌سازی مصرف کنیم در انرژی هایمان. ما یک اصلاح و تغییر در نوع مصرف خانوار بدهیم. در مصرف گاز واقعا به شدت می‌توانیم مصرف گاز را کاهش دهیم و گازی را که از این طریق صرفه‌جویی می‌کنیم، صادر کنیم.

این بخش جای سخن بسیار دارد؛ چرا که ما در ساختارهای تولید هم برای اتکا به انرژی با مشکل جدی روبرو هستیم و ضرورت دارد ساختارهای تولیدمان را برای کاهش مصرف انرژی مورد بازنگری قرار دهیم. از فناوری‌های پیشرفته و روز استفاده کنیم. در حمل و نقل کالا، مقدار مصرف بسیار بالای گازوئیل را داریم. در بخش کشاورزی، مقدار مصرف بالای گازوئیل را داریم. اینها جاهایی است که می‌باید دست به صرفه‌جویی بزنیم. در بخش برق؛ پرت بسیار بالایی دارد و حتی کنترل این پرت می‌تواند یک درآمد بالا و یک صرفه‌جویی بالایی را به وجود بیاورد. این بخش جای گفتگو بسیار زیاد دارد.

یکی از ظرفیت‌هایی که داریم در معادن ما است: معادن سنگ، سنگ‌های معدنی و ساختمانی و امثال اینها. ایران از کشورهای بسیار غنی دارای ذخایر معدنی کلیدی است ولی تریلی تریلی این سنگ را به صورت خام منتقل می‌کنند جهت صادرات. کشورهایی مثل ایتالیا اینها را می‌برند و برش می‌زنند و به خود ما با چند برابر قیمت صادر می‌کنند. این خام فروشی‌ها باید جلوی‌ش گرفته شود هم در انرژی، که اگر این اتفاق در بخش

انرژی بیفتد یک تحول عظیمی در سرمایه‌گزاری کشور، در بالا رفتن ارزش افزوده این بخش، و هم در معادن پدید می‌آورد.

یک از ظرفیت‌های ما ظرفیت گردشگری است: در ده سال قبل که سند چشم انداز بیست ساله تدوین می‌شد دنبال این بودند که برای گردشگری چه هدف‌گذاری کنند. پیشنهاداتی دادند. رهبر معظم انقلاب فرمودند هدف‌گذاری کنید برای بیست میلیون گردشگر. شما ببینید کسی این سخن را می‌گوید که نسبت به ارزش‌ها، بالاترین اهتمام را دارد. ولی توجه دارد که گردشگری در ایران لزوماً گردشگری در اروپا و ترکیه و امثال اینها نیست. با توجه به جمیع شرایط؛ امکان این گردشگری وجود دارد. این گردشگری را در آثار باستانی داریم، در بخش زیارتی داریم: در بخش زیارتی جمعیت عظیمی امکان حضور در ایران را دارند؛ ما ظرفیت‌هایش را نداریم. باید ظرفیت‌های لازم را ایجاد کنیم که در بخش زیارتی-گردشگری و کشورهای مختلف منطقه مثل پاکستان، هندوستان، کشورهای عربی اطراف ما، شیعیانی که در این کشورها هستند و از آسیای میانه؛ امکان گردشگری دارند. علاوه بر گردشگری که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها ممکن است بیایند. ما باید ظرفیت‌هایش را ایجاد کنیم. یقین بدانیم آنها هم نرُم‌های ارزشی ما را که ما بیشتر به ظاهر در اینجور موارد توجه داریم رعایت می‌کنند. یک بخش هم گردشگری پزشکی است: یعنی برای معالجات. با توجه به ظرفیت پزشکی ایران که عالی است. اکنون هم خدمات پزشکی به تعدادی از بیماران کشورهای منطقه داریم. باید بسیار گسترش داد و درآمد خوبی را از این طریق بدست آورد.

علاوه بر این ظرفیت استفاده از نیروی جوان کشورهای منطقه برای تحصیل در ایران، در علمی که ایران در این زمینه‌ها صاحب‌نظر است و حرف دارد. دانشگاه‌های ما اگر بخواهند در اقتصاد مقاومتی کار کنند باید یک ظرفیت جدیدی را باز کنند و پذیرش دانشجویان از کشورهای منطقه؛ که از کشورهای منطقه بسیار استقبال خواهند کرد. هزینه‌ها در ایران بسیار پایین‌تر است و نسبت به کشورهای آمریکایی اروپایی خیلی کم است و بیایند در ایران تحصیل کنند، طبعاً تحت تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی هم قرار می‌گیرند. ما بعضی از دانش‌آموختگان دانشگاه - حوزه‌مان که از خارج از کشور آمده بودند منشاء تحولاتی، منشاء تشکیل دانشگاه‌هایی در جاهای دیگر شده بودند. اندونزی رفته بودم؛ باورم نمی‌شد پنج کالج توسط تحصیل‌کردگان اندونزیایی ساکن ایران تشکیل شده

بود و واقعا حدود پنج هزار نفر جوان را آنجا جمع کرده‌اند برای آموزش معارف دینی و آموزش‌های عمومی سایر رشته‌ها، کالج‌های مختلف. این نشان‌دهنده ظرفیتی است که ما در تربیت نیروی انسانی داریم.

اجازه دهید که الزامات این اقتصاد مقاومتی را هم به آن اشاره کنم: یکی از الزامات این است که دولت تمام همتش را روی پیاده کردن اقتصاد مقاومتی بگذارد. و اینکه رهبر معظم انقلاب تأکید کردند به دولت، قرارگاه عملیاتی، فرماندهی اقتصاد مقاومتی تشکیل دهد و از کل ظرفیت کشور استفاده کند. البته متاسفانه ما نمی‌بینیم که اراده‌ای باشد که از ظرفیت کامل کشور استفاده شود. پریروز من یزد بودم یک همایش برای اقتصاد مقاومتی، یک نمایشگاه، گلایه فعالان بنگاه‌های اقتصادی آنجا این بود که نمایندگان دولت در اینجا با ما همکاری نمی‌کنند. برای ایجاد همین همایش مشکل تراشی می‌کردند. هرکس می‌خواست یک‌جا غرفه بگیرد تحقیرش کردند. می‌باید ظرفیت ملت به میدان بیاید. دولت باید مساعدت کننده و کمک‌کننده و بسترساز باشد. علاوه بر این معتقدم باید از بسیج به‌طور کامل استفاده شود. بسیج همه‌جا حضور دارد. بسیج که در روستاها هست ظرفیت روستا را فعال کند. اگر در روستاها بسیج فعال شود مثل دوران جهاد سازندگی یقین بدانید یک گام بزرگ در راستای اقتصاد مقاومتی در روستاها خواهیم برداشت. چرا باید روستاهای ما مصرف‌کننده باشند. روستاها می‌باید از محورهای مهم تولید باشند ولی متاسفانه مصرف‌کننده مرغ و تخم‌مرغ و نان و خیلی چیزهای دیگر که از شهر به روستا می‌رود هستند. روستاها تخلیه شده است به شهرهای بزرگ آمده‌اند. توسعه روستایی باید یک مبنای جدی برای اقتصاد مقاومتی باشد. از الزامات، فرهنگ مقاومت است یعنی ما باید بدانیم و همه بدانند که ما در شرایطی هستیم که آن شرایط جنگ اقتصادی است و در این شرایط نباید یک حرکت عادی در مقابل دیگران داشته باشیم بلکه باید همه ظرفیت‌هایمان را برای مقاومت بسیج کنیم. و روحیه ما روحیه مقاومت باشد. این روحیه مقاومت اگر حاکم شود، در تولید و الگوی مصرف ما موثر می‌شود؛ که من به این‌ها یک اشاراتی می‌کنم.

فرهنگ کار و تلاش، فعالیت و ابتکار: متاسفانه فرهنگ کار در کشور ما ضعیف است. ببینید الگوهای ما، ائمه هدی، امیرالمومنین(ع) در هنگامی که رهبری امت اسلامی را به حسب ظاهر نداشت؛ حضرت چه کرد. کار کار می‌کرد. شخصا هزار برده را با دسترنج

خودش آزاد کرد و تعداد نخلستان‌هایی که حضرت ایجاد کرد بسیار زیاد است. یکی از آن نخلستان‌ها که ایجاد کرده صدهزار نخل داشت. شما تصور کنید از چه عظمتی برخوردار بود. خوب این الگو برای ما باید سرمشق باشد که متأسفانه نیست. باید این فرهنگ را به جوانان مان منتقل کنیم. الان گاهی مشاغل که دارای زحمت است به جوانان ما پیشنهاد می‌شود ولی این‌ها متأسفانه زیر بار نمی‌روند و می‌خواهند حتماً یک‌کاری باشد راحت و با حقوق مکفی و به اصطلاح به گونه‌ای بدون رنج کافی بتوانند به درآمدی هنگفت برسند. مسئله دیگر فرهنگ کار جمعی است: به من مراجعات زیادی شده که ما وام می‌خواهیم کارخانه‌مان را راه بیندازیم. می‌گوییم چرا شریک نمی‌گیرید؟ می‌گویند اگر شریک خوب بود خدا می‌گرفت. این منطق بسیار غلطی است. شریک برای خدا محال است ولی برای بندگان ضرورت دارد. این کار مشارکتی را باید فرهنگش را جا بیندازیم. یک جوانی که قدرت کارآفرینی دارد دست چند نفر را به کار بگیرد و آنها را به کار شاغل بکند. این فرهنگ کار مشارکتی و جمعی است.

فرهنگ صرفه‌جویی در هزینه‌های بخش عمومی: الان کشور ما با هشتاد میلیون جمعیت، دو میلیون و نیم نیروی بخش دولتی دارد. خوب کشور ژاپن با داشتن صد و سی میلیون جمعیت سیصد و اندی هزار نیروی بخش عمومی دارد. ببینید چه تفاوت عظیمی است. نشان می‌دهد که ما افراط می‌کنیم در به‌کارگیری نیروی انسانی در بخش عمومی. هزینه‌ها خیلی بالا است. باید بخش عمومی را کوچک کرد. دولت را کوچک کرد هزینه‌های بخش عمومی را کاهش داد. یکی از این کاهش هزینه‌ها همین حقوق‌های هنگفتی است که به بعضی از مدیران داده می‌شود. ما در مجلس هفتم بنا را بر این گذاشتیم: قانون مدیریت خدمات کشوری. ثبت پرداختی‌های دولت هفت برابر کم شود. این الگوی خوبی است. همین را مبنا قرار دهند. الان بعضی‌ها دست به توجیه می‌زنند، می‌گویند این در دنیا متعارف است. اما با فرهنگ ما نمی‌سازد. در فرهنگ ما فاصله غنی و فقیر این قدر نباشد، آن‌هم از منابع عمومی. یک وقت که حاصل دسترنج و زحمت فرد است می‌گوییم نوش جان. یک وقت از منابع عمومی برای یک عده‌ای خاص خرج می‌کنید: به صورت پاداش‌های پایان سال در شرکت‌ها است که پاداش‌های هنگفتی است. دو تا پنج درصد سود خالص بنگاه‌های بخش عمومی بخواهد توزیع شود بین مدیران، چه خبر است. یک بنگاه ما ده هزار میلیارد تومان سود سالانه‌اش است. دو تا پنج درصدش را

بخواهد توزیع کند بین چند نفر. مگر می‌تواند بشود. باید اینها را اصلاح کرد. پاداش پایان خدمت، یک اقدامی بود در مجلس پنجم صورت گرفت، به صورت یک پیشنهاد به اصطلاح نسنجیده و فوری در درون جلسه علنی مجلس و تصویب شد و حالا چی شده است عده‌ای بیست میلیون، سی میلیون تومان یک عده‌ای هم سیصد میلیون، پانصد میلیون و هفتصد میلیون تومان. این شکاف عظیم پرداختی در پاداش‌های پایان خدمت، اصلاً قابل تحمل نیست. باید اینها را اصلاح کرد. امیدواریم دولت محترم این را اصلاح کند.

در بخش خصوصی هم باید صرفه‌جویی کنیم اگر ملت ما، آنهایی که دستشان به دهانشان می‌رسد درآمدهای خودشان را تقسیم کنند: بخشی را مصرف کنند، بخشی را سرمایه‌گذاری کنند. چه اتفاقی می‌افتد؟ اکنون هزار هزار میلیارد تومان نقدینگی کشور اگر پنجاه درصدش سرمایه‌گذاری شود و به سمت تولید برود. چه اتفاقی می‌افتد؟ یقیناً یک تحرک بالایی در اقتصاد به وجود می‌آورد و اقتصاد ما را از رکود به خوبی خارج می‌کند.

در مورد فرهنگ: باز ما باید فرهنگ مصرف کالای ایرانی را تبلیغ کنیم. تولیدکنندگانی در داخل تولید می‌کنند ولی بنگاه‌هایی که عرضه می‌خواهند کنند به اینها سفارش می‌دهند می‌گویند مارک خارجی بزنید. همین دیروز در یزد نگاه می‌کردم، از یک تولید کننده پارچه پرسیدم: پارچه‌های شما با مارک ایرانی عرضه می‌شود؟ گفت بله. ولی سفارش می‌دهند: مارک خارجی بزنیم و محصولات ما از یزد می‌رود قشم، در قشم به عنوان کالای خارجی به مشتری داده می‌شود. بنده خودم یک صنعت تولید کننده دیدم که دمپایی تولید می‌کرد؛ زده بود: تایوان. نه زمین، زمین تایوان است نه مواد اولیه از تایوان است نه الگوی تولید از تایوان آمده‌است، نه مهندس از تایوان آمده‌است. گفت: فروشگاه‌ها می‌گویند بزنید made in tiwan تا ما از شما بخریم. این یعنی یک فرهنگ غلطی وجود دارد، آن فرهنگ این است که کالاهای دیگران بهتر است. این را باید اصلاح کرد. نیازمند به اصلاح فرهنگی است.

یکی از چیزهایی که نیاز داریم: مدیریت جهادی است که رهبر معظم انقلاب در یک سال به عنوان شعار سال مطرح کردند و در همین بندهای پیشنهادی اقتصادی مقاومتی روی این مسئله تاکید کردند. نیاز به مدیریت جهادی، مدیریتی که شب و روز نشناسد، تعطیل و غیر تعطیل نشناسد. تمام همتش را به کار بگیرد برای حل مشکلات، منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح ندهد. والسلام